**دکتر کنوت هایم، امثال، درس ۲۰، زن   
شایسته ، امثال ۳۱**

© ۲۰۲۴ کنوت هایم و تد هیلدبرانت

این دکتر کنوت هایم در تدریس خود در مورد کتاب امثال است. این جلسه شماره 20 است، زن قدرتمند و توانمند. امثال فصل 31، آیات 10 تا 31.

به سخنرانی بیستم، آخرین سخنرانی از مجموعه سخنرانی‌های ما در مورد کتاب مقدس امثال، خوش آمدید. اکنون به آیات ۱۰ تا ۳۱ در فصل ۳۱ کتاب می‌پردازیم و این آیات را بررسی خواهیم کرد. شعری زیبا در مورد یک همسر تقریباً فرا انسانی، یک زن، وجود دارد که در این زمینه که آیا و چگونه به آیات ۱ تا ۹ که در سخنرانی قبلی به آن پرداختیم، مرتبط است، که در مورد تعلیم مادر شاه لموئیل بود، که در مورد دور نگه داشتن او از زنان نادرست صحبت می‌کرد و اینکه آیا و چگونه این شعر در مورد این ابرزن ممکن است واقعاً به سکانس آغازین این فصل مرتبط باشد، بررسی می‌شود.

نکته‌ی دیگری که حداقل به طور خلاصه به آن خواهیم پرداخت، این سوال است که چرا چنین شعر شگفت‌انگیزی درباره‌ی یک ابرزن خردمند، شجاع، قدرتمند و توانا در انتهای این مجموعه از کتاب امثال وجود دارد. بنابراین، اول از همه، خود شعر، آیات ۱۰ تا ۳۱، در واقع به شیوه‌ای کاملاً غیرمعمول در زبان عبری اصلی بیان شده است، زیرا ۲۲ آیه‌ی این شعر همگی با حروف الفبای عبری به ترتیب شروع می‌شوند. بنابراین آیه‌ی ۱۰ با الف، اولین حرف الفبا، آیه‌ی ۱۱ با بت، دومین حرف الفبا و به همین ترتیب شروع می‌شود تا اینکه در آیه‌ی ۳۱ به طف، در ابتدای آیه، آخرین حرف الفبای عبری، می‌رسیم.

بنابراین، اگر دوست داشته باشید، ما از الف تا ی یک همسر توانمند یا نوعی ابرهمسر را داریم، و قرار است بررسی کنیم که او در یک لحظه از چه جهاتی ابرهمسر است. معنای این حرف این است که این شعر، این ستایش از این زن شگفت‌انگیز، یک واحد شعری مستقل است. این شعر به خودی خود شعری مستقل است.

و بنابراین، اکثر افرادی که این را می‌خوانند، واقعاً آن را جدا از نه آیه ابتدایی این فصل می‌خوانند. و هیچ مشکلی در این مورد وجود ندارد. این کار را می‌توان انجام داد و مطمئناً پابرجاست.

این یک شعر مستقل است. با این حال، به یاد داشته باشید که ما این سوال را پرسیدیم که چرا در انتهای امثال وجود دارد؟ همچنین به یاد داشته باشید که ما انواع شیوه‌های ویرایشی و ویرایش کلان را در مورد نحوه کنار هم قرار گرفتن مجموعه‌های مختلف، ترتیب آنها و نحوه تعامل آنها با یکدیگر دیده‌ایم. بنابراین، ممکن است در اینجا نیز چیزی بیش از آنچه به نظر می‌رسد وجود داشته باشد.

و دو محقق اظهار داشتند که ممکن است ارتباطی بین آیات ۱ تا ۹ از یک سو و آیات ۱۰ تا ۳۱ از سوی دیگر وجود داشته باشد. به طور خاص، یکی از محققان، فکر می‌کنم لیختهایم بود ، استدلال کرد یا این پیشنهاد را مطرح کرد که اگر ملکه مادر در آیات ۱ تا ۹ به پسرش در مورد زنان نادرست هشدار می‌داد، به نظر می‌رسد حداقل یک موقعیت خوشحال‌کننده است که اکنون در این شعر آخر، نوعی زن نسبتاً مناسب را می‌خوانیم. دانشجوی دکترای خودم، کشیش دکتر ژانت هارتول، در مورد زنان در کتاب امثال نوشته است.

و در رساله دکترایش، او یک سوال جذاب مطرح می‌کند، چیزی که تا جایی که من می‌دانم هیچ‌کس دیگری قبلاً به آن فکر نکرده است. و او این سوال را می‌پرسد که آیا ممکن است ارتباط نزدیک‌تری بین شعر و سخنرانی وجود داشته باشد؟ و البته او می‌گوید که نمی‌توان آن را اثبات کرد، اما فکر می‌کنم یک خوانش خلاقانه می‌تواند این را به خوبی نشان دهد. آیا ممکن است سوال آغازین، یک همسر توانمند، که می‌تواند پیدا کند، که بسیاری از مردم معتقدند یک سوال بلاغی است که به این پاسخ اشاره دارد که هیچ‌کس، او را نمی‌توان پیدا کرد، اما پس چرا بقیه شعر در مورد این زن شگفت‌انگیز ادامه می‌یابد، که بدیهی است شوهری آن را پیدا کرده است، زیرا او تشویق می‌شود که او را ستایش کند و به او بدهد، به او احترام بگذارد و در ملا عام به او احترام بگذارد.

بنابراین، دکتر هارتول می‌گوید که این احتمال وجود دارد که سوال، یک همسر توانمند، که می‌تواند پیدا کند، شاید پاسخ کج‌خلقانه‌ی شاه لموئل به سرزنش مادرش باشد، که سپس او با توصیف نوع زن توانمندی که در نظر دارد، به آن پاسخ می‌دهد. و اگر چنین بود، او سخنرانی خود را، که اکنون به شکل شاعرانه است، به پسرش با این جمله پایان می‌داد، که باید به او احترامی را که شایسته‌اش است، بدهی. یک پیشنهاد جذاب، که فکر می‌کنم واقعاً ارزش بررسی دارد.

سال‌هاست که فکر می‌کنم این دو با هم مرتبط هستند، زیرا بدیهی است که به زنان و ارزش‌گذاری به زنان مربوط می‌شوند. بنابراین، واقعاً تمایل دارم این پیشنهاد را به عنوان یک خوانش بسیار جالب و خلاقانه که کل متن را معنادار می‌کند و حس و بُعدی کاملاً جدید به آن می‌بخشد، دنبال کنم. با این اوصاف، اکنون به توضیح برخی از جزئیات متن می‌پردازم.

بیشتر آنچه اکنون می‌گویم وابسته به این نیست که آیا آیات ۱۰ تا ۳۱ به روشی که اینجا پیشنهاد دادیم به هم مرتبط هستند یا خیر، زیرا شعر البته می‌تواند، و خیلی خوب هم جواب می‌دهد، و به تنهایی می‌تواند. اول از همه، می‌خواهم چیزی در مورد عبارت «همسر توانمندی که می‌تواند پیدا کند» یا همانطور که ترجمه NIV می‌گوید، «همسری با شخصیت شریف که می‌تواند پیدا کند» بگویم. یا ترجمه‌های دیگر «زن شجاع» و غیره را دارند.

واقعاً خیلی مهم است که بدانیم عبارت استفاده شده در اینجا، یعنی اِشِت هایل به زبان عبری، ترکیبی بسیار نادر است که تا جایی که من می‌دانم، فقط فکر می‌کنم سه بار در کل کتاب مقدس ظاهر می‌شود، و بار سوم را هم فراموش کرده‌ام. اما دفعه‌ی دیگری که ظاهر می‌شود، این عنوان، که مسلماً یک عنوان افتخاری است، به یک زن خاص، یعنی به روت در کتاب روت، اختصاص داده شده است. و آیا جالب نیست که روت، شاید مانند این زن در اینجا، یک غیراسرائیلی باشد؟

او یک خارجی است. و چرا به روت، اِشِت هایل می‌گویند؟ چون روت کسی است که به مادرشوهرش امکان شکوفایی داده است. با ترک خانه، مراقبت از او و در نهایت تأمین مالی او از طریق کارش، و سپس از طریق ازدواجش، تا در واقع برای نائومی نوه‌دار شود.

بنابراین، این البته بخشی از انتظارات مردسالارانه از آنچه یک همسر خوب، یک زن خوب، باید انجام دهد، است. اما با این وجود، روت نه تنها در خود کتاب مقدس، بلکه در سنت بنی‌اسرائیل در طول اعصار، یکی از قهرمانان بزرگ محسوب می‌شود. او واقعاً یک نوع ایده‌آل نه تنها برای همسر، بلکه برای دختر نیز هست، و به نظر من یک همسر ایده‌آل و شگفت‌انگیز در نوع خود است.

ایشت هایل» نامیده می‌شود ، در حالی که تنها یک زن دیگر در کتاب مقدس با این نام شناخته می‌شود، واقعاً قابل توجه است. این واقعاً یک عنوان افتخاری با بالاترین درجه است. نکته دوم که شاید ارزش گفتن داشته باشد این است که معادل مردانه « ایشت هایل» «گیبور هایل» خواهد بود.

و گیبور شایل یک جنگجو است، یک جنگجوی قدرتمند که دشمنان را شکست می‌دهد. بنابراین، ما تقریباً اصطلاحات رزمی را برای این زن قدرتمند در اینجا به کار برده‌ایم، به همین دلیل است که من در واقع ترجمه‌ای مانند «زن قدرتمندی که می‌تواند پیدا کند» را ترجیح می‌دهم. و سپس در پاسخ به سوال، بقیه شعر در واقع به سوال پاسخ نمی‌دهد.

سوال این است که چه کسی می‌تواند یکی از آنها را پیدا کند؟ به ما چیزی گفته نشده است. چیزی که به ما گفته شده این است که یک زن توانمند یا قدرتمند چگونه زنی است. اگر این ایده هنوز بین ملکه مادر و پسرش رد و بدل شود، ممکن است این برداشت وجود داشته باشد که مادر به پسرش می‌گوید، ببین، لازم نیست یکی پیدا کنی، تو یکی داری، و او این شکلی است.

و بهتر است به او احترام بگذارید و آنطور که شایسته اوست با او رفتار کنید. به هر حال، اگر بخواهیم ادامه دهیم، چیزی که در ادامه به دست می‌آوریم، توصیفی شگفت‌انگیز از این زن شگفت‌انگیز است. با این حال، در آیه ۱۱ با اهمیت او برای شوهرش آغاز می‌شود.

بنابراین، قلب شوهرش به او اعتماد دارد و او هیچ کمبودی در سود نخواهد داشت. بنابراین، این از یک طرف در مورد زناشویی و انواع دیگر وفاداری و سود مالی است. و سپس در پایان فصل و کتاب، آیه ۳۱ می‌گوید، به او از ثمره دستانش سهمی بدهید و بگذارید اعمالش او را در دروازه شهر ستایش کنند.

بنابراین، این نه تنها در مورد دادن واقعی آنچه زن شایسته آن است و احترام، تکریم و ستایش او در ملاء عام است، بلکه در مورد کاری است که او می‌تواند برای مرد انجام دهد و کاری که مرد باید در چارچوب مردسالارانه‌ای که با آن روبرو هستیم برای او انجام دهد. سپس ما شرح مفصلی از انواع کارهایی که او انجام می‌دهد، داریم.

او در تمام روزهای زندگی‌اش به او خوبی می‌کند و به او بدی نمی‌کند. این هنوز هم به مرد مربوط است. و امیدوارم این ما را به یاد فصل ۱۱، آیه ۲۲ بیندازد.

زنی زیبا و بی‌احتیاطی که به مردش آسیب می‌رساند. این یکی این کار را نمی‌کند. جالب اینجاست که به ما گفته نشده که آیا او زیباست یا نه.

اگرچه در پایان، نزدیک به پایان آیه ۳۰ به ما گفته شده است که جذابیت فریبنده و زیبایی بیهوده است، اما زنی که از خداوند می‌ترسد، شایسته ستایش است. این می‌تواند به این معنی باشد که او جذابیت خاصی ندارد، اما لزوماً به این معنی نیست. به طور مشابه با امثال ۱۱، ۲۲، که در آن به این واقعیت پرداخته‌ایم که زن زیباست، اما احتیاط او این را ارزشمند می‌کند.

این به آن معنا نیست که زیبایی در زنان یا مردان چیزی است که باید نادیده گرفته شود یا توسط متون حکمت‌آمیز اینجا تحقیر شود. بلکه چیزی که گفته می‌شود این است که آنچه واقعاً در یک رابطه بلندمدت اهمیت دارد، زیبایی درونی است. و زیبایی بیرونی یک مزیت اضافی است، نه یک عامل حواس‌پرتی.

حالا برگردیم به آیه ۱۳ به بعد. از آیه ۱۳ به بعد می‌بینیم که زن به عنوان یک کارآفرین و بسیار موفق در این زمینه توصیف می‌شود. عمدتاً در زمینه مد سطح بالا و تولید پارچه، اما واضح است که در مقیاس صنعتی.

چون اگرچه خودش کار می‌کند، اما کارمندانی دارد که برایش کار می‌کنند. من این را به شما نشان می‌دهم. او به دنبال پشم و کتان می‌گردد و با دستانی مشتاق کار می‌کند.

او مانند کشتی‌های بازرگانان است. او غذای خود را از دوردست‌ها می‌آورد. بنابراین، اینجا صحبت از تجارت بین‌المللی است.

او وقتی هنوز شب است برمی‌خیزد و برای خانواده‌اش غذا و برای کنیزانش کار فراهم می‌کند. اینها کارمندان هستند. او به مزرعه فکر می‌کند و آن را می‌خرد.

بنابراین، او در مدیریت املاک و مستغلات است. او با حاصل دست‌هایش تاکستانی می‌سازد. او خود را با لباس‌های ژنده می‌پوشاند.

خب، او به کشاورزی و تولید شراب علاقه دارد. چیز جذابی است. او متوجه شده که کالاهایش سودآور هستند.

بره‌اش بیرون نمی‌رود. شب‌ها دستش را به عصا می‌گیرد. پس معلوم است که خیلی کوشا و سخت‌کوش است.

سپس در آیه ۲۱، او دست خود را به سوی فقرا باز می‌کند و دستانش را به سوی نیازمندان دراز می‌کند. باز هم، در اینجا یک فرد ایده‌آل را داریم که به عنوان کسی که دغدغه دارد، به طور فعال نگران عدالت اجتماعی، مراقبت از کسانی است که در جامعه آسیب‌پذیر هستند و نمی‌توانند از خودشان مراقبت کنند، به تصویر کشیده شده است. شاید باید بگویم، همانطور که همین الان گفتم، عدالت اجتماعی، فکر می‌کنم تمایزی، چه مدرن و چه باستانی، بین مراقبت از افراد آسیب‌پذیر در جامعه و حمایت فعال از عدالت اجتماعی وجود دارد.

این دو با هم مرتبط هستند اما لزوماً یکی نیستند. بنابراین، پادشاه، پادشاه لموئیل، فراخوانده شده است تا در دفاع از عدالت اجتماعی، که مخالفت فعال واقعی با عاملان بی‌عدالتی اجتماعی است، مشارکت کند. مثالی که در اینجا از زن داریم این است که او نگران رفاه افراد آسیب‌پذیر در جامعه است.

به طور خاص به ما گفته نشده است که او در حمایت از عدالت اجتماعی مشارکت دارد. این بدان معنا نیست که او این کار را انجام نمی‌دهد، اما به آن اشاره‌ای نشده است. در ادامه، آیات ۲۲ و بعد از آن، او هنگام بارش برف نگران خانواده‌اش نیست، زیرا همه خانواده‌اش لباس‌های قرمز پوشیده‌اند.

باز هم، فکر می‌کنم اگرچه واضح است که او درگیر پارچه‌بافی و غیره است، اما این به عنوان استعاره‌ای برای تأمین نیازهای جامع برای خود خانواده‌اش و همچنین برای کل خانواده استفاده می‌شود. او کسی است که برای دیگران کار و برای جامعه‌ی وسیع‌تر و خانواده‌ی خودش امنیت اجتماعی فراهم می‌کند. در آیه‌ی ۲۳، پس از آن، شوهرش در دروازه‌های شهر شناخته شده است، او در میان بزرگان سرزمین جای گرفته است.

این دوباره در میانه شعر، در ابتدا و انتها، بر فایده‌ای که او برای شوهرش به ارمغان می‌آورد، تأکید می‌کند. و یکی از مزایای کلیدی در اینجا این است که شوهر از طریق دستاوردهای او، جایگاه اجتماعی خود را ارتقا می‌دهد. باز هم این شعر مردمحور و مردسالارانه است، اما با این وجود، وسعت و عمق دستاوردهای این زن قابل توجه است.

سپس متن به شرح فعالیت‌های بیشتر در زمینه پارچه‌بافی و غیره می‌پردازد. آیه ۲۵ می‌گوید که قدرت و وقار، لباس او هستند و او به زمان آینده می‌خندد. من فکر می‌کنم این عبارت برای درک ما از آنچه در اینجا اتفاق می‌افتد مهم است، زیرا عبارت «به زمان آینده می‌خندد» به وضوح اعتماد به نفس و استقلال او را نشان می‌دهد که بسیار مهم است.

همچنین خودکفایی او را مستقل از شوهرش و دیگر ساختارهای مردسالارانه نشان می‌دهد. و سپس نیمه اول آیه، قدرت و وقار، لباس اوست. خب، این البته استعاره‌ای است.

این واقعیت را برجسته می‌کند که نحوه‌ی رفتار او، نحوه‌ی لباس پوشیدنش، لباس پوشیدن قدرتمندانه‌اش، و همچنین نحوه‌ی برخوردش نه تنها با دیگران، بلکه با احساسی که نسبت به خودش دارد، نشان می‌دهد که او زنی است با قدرت و اعتماد به نفس درونی و زنی با وقار. و وقار به نظر من معنایی دوگانه دارد. این دو به حس درونی عزت نفس و نوعی رفتار و نگرش و رفتاری مربوط می‌شود که اطمینان‌بخش و با اعتماد به نفس به نظر می‌رسد، اما در عین حال سخاوتمندانه و نجیبانه، به بهترین معنای اجتماعی کلمه، نیز هست.

اما کرامت همچنین به نحوه برخورد دیگران با او و احترام به او به عنوان کسی که در جامعه برتر و جاافتاده است، مربوط می‌شود. در آیه ۲۶ به ما گفته می‌شود که او نه تنها یک سخت‌کوش است، بلکه معلم خوبی نیز هست. در آیه ۲۶، او دهان خود را با حکمت می‌گشاید و آموزه مهربانی بر زبان اوست.

بنابراین، او یک معلم خردمند است که اکنون دومین نمونه از یک زن خردمند است که در این فصل پایانی به دیگران آموزش می‌دهد. و من وقت ندارم که برای این موضوع دلیل بیاورم، اما ژانت هارتول در اثر خود به وضوح نشان داده است که در کتاب امثال سلیمان صداهای بسیار بیشتری از زنان و آموزه‌های بسیار بیشتری وجود دارد. به عنوان مثال، وقتی پدر را داریم که در نه فصل ابتدایی کتاب از پسرش می‌خواهد که به آموزه‌های او گوش دهد، گاهی اوقات یک شباهت وجود دارد، آموزه‌های پدر یا مادر خود را فراموش نکنید.

و حتی در مواردی که به صراحت از مادر نام برده نشده است، ممکن است به طور ضمنی در تمام سخنرانی‌ها حضور داشته باشد. بنابراین، زنان در کتاب امثال حکیم، معلمان همیشگی در نظر گرفته می‌شوند. به طور خاص و به ویژه در خانه، اما این امر تا حد زیادی در مورد تعلیم پدر در امثال ۱-۹ نیز صادق است.

با این حال، به نظر می‌رسد که او این یکی، این زن، است که علناً صحبت می‌کند. و بخشی از خرد او، که اتفاقاً مهم هم هست، آموزش مهربانی بر زبان اوست. این فقط یک نوع اظهار نظر فرعی و شاعرانه نیست، بلکه بخشی از شخصیت این زن این است که چیزهایی که او آموزش می‌دهد، مهربانی است.

و این اکنون به طور بالقوه ما را به نقطه‌ای می‌رساند که او نه تنها در کمک به آسیب‌پذیران مشارکت دارد، بلکه این می‌تواند خلاصه‌ای کوتاه از مشارکت او در آموزش دفاع از عدالت اجتماعی باشد. در آیه 20، فرزندانش بلند می‌شوند و او را خوشحال می‌خوانند. شوهرش نیز او را ستایش می‌کند.

بنابراین، این توصیفی از یک واقعیت است. اگر کسی آنقدر خوش‌شانس باشد که چنین زنی را به عنوان مادر یا همسر خود داشته باشد، به نظر می‌رسد که این کار طبیعی باشد. اما با این اوصاف، در طول قرن‌ها، این شعر برای توصیف یک همسر ایده‌آل استفاده شده است، معمولاً همسری که تمام کارهایش را در خانه در آشپزخانه و خیاطی و بافتنی و از این قبیل کارها انجام می‌دهد.

به راحتی می‌توان فهمید که چرا مردم ساده‌لوحانه شعر را به این شکل برداشت کرده‌اند، زیرا در این فصل مطالب زیادی در مورد پارچه‌بافی و غیره وجود دارد. اما همانطور که سعی کردم توضیح دهم، این در مقیاس صنعتی است و فکر می‌کنم این یک خوانش غیرتخیلی و بسیار ساده‌انگارانه است که فکر کنیم این فقط درباره یک زن خانه‌دار خوب است. زنی که در اینجا توصیف می‌شود، زنی از طبقه سلطنتی است.

او یک ملکه است. و هر شوهری که می‌خواهد لیاقت او را داشته باشد، و راستش را بخواهید هر شوهری که احتمالاً نمی‌خواهد در برابر او احساس حقارت کند، بهتر است خودش را جمع و جور کند. این ملکه، در کنار چیزهای دیگر، لیاقت پادشاه مردان بودن را برای شوهرش دارد.

بنابراین، هر مردی که آرزوی داشتن چنین زنی را دارد، بهتر است آماده شود. یک نکته آخر. بنابراین، شوهر و فرزندانش او را ستایش می‌کنند و سپس در آیه ۲۹ نقل قول مستقیمی از آنچه شوهر فرضی می‌گوید، داریم.

و او این را می‌گوید، بسیاری از زنان به طرز عالی عمل کرده‌اند، اما تو از همه آنها پیشی گرفته‌ای. در اینجا مقایسه بسیار جالبی بین انواع مختلف زنان وجود دارد. و دو روش برای خواندن این وجود دارد.

یک راه برای تفسیر این موضوع این است که شوهر، این زن را علیه زنان دیگر به بازی می‌گیرد و در نهایت، البته اتفاقی که در شعر می‌افتد این است که هر زنی که مطابق با این نوع استاندارد عمل نکند، احساس بدی پیدا می‌کند. این یک راه برای تفسیر شعر است و این کار در طول قرن‌ها بسیار انجام شده است. من با دانشجویانم، دانشجویان دختر، صحبت کرده‌ام که آنها هم همین را به من گفته‌اند.

من با افرادی در کلیساها صحبت کرده‌ام، زنانی که این را به من گفته‌اند. با این اوصاف، فکر می‌کنم ارزش گفتن دارد که حتی زنانی که به خوبی این یکی عمل نکرده‌اند، متن در واقع می‌گوید، بسیاری از زنان عالی عمل کرده‌اند. بنابراین او به عنوان بهتر از همه این شکست‌خوردگان مقایسه نمی‌شود.

او به عنوان بهتر از بسیاری از زنان عالی توصیف شده است. و نه همه، نه هر زنی می‌تواند مانند این زن باشد. راستش را بخواهید، نه هر مردی می‌تواند مانند این زن باشد.

بیشتر مردان و بیشتر زنان نمی‌توانند. شاید او ایده‌آل‌سازی شده باشد، اغراق‌آمیز. اما با این وجود، من فکر می‌کنم، و این واقعاً مهم است، فکر می‌کنم، همانطور که به پایان همه این‌ها نزدیک می‌شویم، او ایده‌آل‌سازی شده است نه برای اینکه ما، چه مرد و چه زن، احساس بدی نسبت به خودمان داشته باشیم، بلکه برای اینکه به ما الهام ببخشد.

و من فکر می‌کنم این تصویری از یک زن است که در عین ایده‌آل بودن، تا حدی واقع‌بینانه نیز هست. زنانی در تاریخ، از هر طبقه اجتماعی و در هر فرهنگی، وجود داشته‌اند که به چنین جایگاهی رسیده‌اند. بسیاری از آنها نسل‌ها پس از زندگی‌شان، در جوامع خود با نام شناخته می‌شوند.

این مرا به یک ملاحظه‌ی هرمنوتیکی نهایی می‌رساند، یعنی، بحث داغی وجود دارد که احتمالاً تا ابد ادامه خواهد داشت، در مورد اینکه این همسر چقدر ایده‌آل است. آیا او واقعاً یک زن واقعی است؟ یا شاید حتی خود او مظهر خرد باشد، همانطور که در امثال ۹ و ۸ آمده است؟ و بحث در این مورد به عقب و جلو می‌رود، و باز هم می‌گویم وقتی متنی بسیار مهیج، تخیلی و شاعرانه مانند این داریم، و قرن‌هاست که مردم به هر دو صورت بحث کرده‌اند، احتمالاً به این معنی است که هر دو است، نه یکی یا دیگری. این هم تصویری از خرد است و هم درخواست نهایی برای پذیرفتن خرد به عنوان همسر، به ویژه در صحبت با مردان، اگر قرار بود با خوانندگان یا شنوندگان زن صحبت کنیم، حدس می‌زنم این بود که او را به عنوان یک خواهر بزرگتر، به عنوان یک مادر، به عنوان یک همکار، به عنوان یک همکار بپذیریم.

یا اگر بخواهید به آنجا بروید، خرد را به عنوان یک مرد تجسم کنید. آن بحث دیگری خواهد بود. اما در نهایت، فکر می‌کنم ما واقعاً می‌خواهیم به این واقعیت پایبند باشیم که در اینجا تصویری از یک زن واقعی نیز داریم.

واقعاً برای الهام بخشیدن به مردان و زنان مدرن امروزی، صرف نظر از اینکه از کدام فرهنگ آمده‌اید، همانطور که در آیه ۳۰ آمده است، با ترس از خداوند، خرد واقعی، سخت‌کوشی و اهمیت دادن به دیگران، می‌توانید به بیش از آنچه که تا به حال رویای آن را در سر می‌پرورانید، دست یابید. می‌توانید به بیش از هر آنچه اعضای خانواده، جامعه محلی و فرهنگ شما می‌خواهند به شما تحمیل کنند، دست یابید. این فصلی از الهام واقعی است، نه برای اینکه ما را احساس گناه کند، بلکه برای کمک به ما در آرزوی رسیدن به خرد واقعی، به لطف و رحمت خدا، با آغاز کتاب، درخواست خرد خدا، جستجوی ترس از خدا به عنوان آغاز، وسیله و نتیجه جستجوی ما برای خرد.

و با این، به پایان این مجموعه سخنرانی‌ها در مورد کتاب مقدس امثال می‌رسیم. خدا شما را حفظ کند.

این دکتر کنوت هایم در تدریس خود در مورد کتاب امثال است. این جلسه شماره 20 است، زن توانمند و قدرتمند. امثال فصل 31، آیات 10 تا 31.